

راهبردهایی در هم‌افزایی حوزه نجف و قم

در ابتدا به دو مطلب اشاره می‌شود:

الف) ضرورت هم‌گرایی

حوزه علمیه قم و نجف دو شاخه سترگ از شجره طیبه علوم و معارف اهل بیت علیهم‌السلام هستند. این دو مرکز علمی ریشه در تاریخ هزار ساله فقه و علوم اهل بیت علیهم‌السلام دارند. در طول تاریخ، مکتب تشیع و جوامع شیعه دوران سخت و طاقت فرسایی را پشت سر گذاشته است. در این مسیر، عالمان و مرجعیت دینی که پناهگاه و ملجأ شیعه هستند، نامایمات فراوانی دیده‌اند. در دوران معاصر به خصوص در یک دهه گذشته جغرافیای شیعه تغییرات محسوسی یافته است. با بسط قدرت منطقه‌ای ایران و تشکیل جبهه مقاومت در عراق، سوریه، لبنان، بحرین، یمن و به ویژه فتوای مرجعیت شیعه در عراق برای مبارزه با داعش و آزادسازی مناطق اشغالی، مناسبات مرجعیت با جوامع شیعی وارد دوره جدیدی شده است.



هادی کیان پور*

تعارضات احتمالی بین این دو مرکز قدرت شیعی می‌تواند در حال و آینده به تقویت نظام‌های هم‌گرا با تشیع و بسط قدرت و نفوذ منطقه‌ای و حتی جهانی مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام منجر شود و

پایه‌های حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را ایجاد نماید.

بر این اساس، هدف نوشتار آن است، تا به بررسی امکان و چگونگی هم‌گرایی و هم‌افزایی هر چه بیشتر و کاهش واگرایی بین این دو مجموعه بسیار مهم شیعی پردازد و راهبردهایی را پیشنهاد دهد.

● (ب) نکات تمهیدی

۱. حوزه علمیه، چه در نجف یا قم یک مجموعه کاملاً یک‌دست و هم‌سو و ساختارمند همچون یک حزب یا سازمان منسجم نیست. هر دو کما بیش درون خود از طیف‌ها و جریان‌های فکری متفاوتی بهره می‌برند،

که گاه در برخی مباحث روشی و علمی نقطه مقابل هم قرار می‌گیرند. اما این به معنای خارج شدن این جریان‌های متفاوت از ذیل حوزه علمیه قلمداد نمی‌گردد و به وضوح چند صدایی و آزادی

بدیهی است تقویت این جبهه و تبدیل آن به یک شاکله فراگیر منطقه‌ای و تمدنی، نیازمند زیرساخت‌های اعتقادی-معرفتی، فرهنگی، فکری و به‌خصوص عمق بخشی به رابطه مرجعیت و توده

جامعه و نخبگان است. عنصر قوام بخش به این رابطه علقه مذهبی و عاطفی بین مرجعیت و شیعیان است که خود از تعلق خاطر، عشق و تبعیت شیعیان از مقام حضرت ولی عصر علیه‌السلام ناشی می‌شود. مرجعیت شیعه به عنوان بالاترین سطح از رهبری مذهبی، مورد تأیید عام آن حضرت قرار گرفته است. هماهنگی و هم‌افزایی بین مراجع تقلید، فقها و عالمان حوزه چه در قم یا نجف اشرف دستاوردهای بزرگی برای دو کشور داشته است. در یکی منجر به انقلاب اسلامی و تحقق نظام ولایت فقیه شده است و در دیگری نظام مردم سالاری

چند حزبی را به جای دیکتاتوری تک حزبی نشانده و تقویت کرده است و از امنیت ملی و وحدت جامعه دفاع نموده است.

هم‌گرایی که منجر به هم‌افزایی و رفع

هماهنگی و هم‌افزایی بین مراجع تقلید، فقها و عالمان حوزه چه در قم یا نجف اشرف دستاوردهای بزرگی برای دو کشور داشته است. در یکی منجر به انقلاب اسلامی و تحقق نظام ولایت فقیه شده است و در دیگری نظام مردم سالاری چند حزبی را به جای دیکتاتوری تک حزبی نشانده و تقویت کرده است و از امنیت ملی و وحدت جامعه دفاع نموده است.

هم‌گرایی که منجر به هم‌افزایی و رفع تعارضات احتمالی بین این دو مرکز قدرت شیعی می‌تواند در حال و آینده به تقویت نظام‌های هم‌گرا با تشیع و بسط قدرت و نفوذ منطقه‌ای و حتی جهانی مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام منجر شود و پایه‌های حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را ایجاد نماید.

تفکر کما بیش در آن‌ها وجود دارد. در هر دو این مجموعه‌ها یک جریان اصلی و رسمی را می‌توان یافت که مواضع آن را می‌توان موضع حوزه علمیه قم و یا نجف دانست و البته در سطح بسیار کلی و امور فوق‌العاده مهم مواضع خود را نمایان می‌کند. در هر دو حوزه آن مقدار از فضای آزاداندیشی و دانش ورزی وجود دارد که امکان ظهور

گفتمان‌های فکری جدید را فراهم سازد. ظهور گفتمان‌های نو غالباً از نظریه جدید در عرصه فقهی یا معارفی آغاز می‌شود که در ادبیات حوزوی به عنوان نظریه یا تفکر شاذ شناخته می‌شود و در صورتی که این نظریه از بنیان‌های علمی قابل تأییدی برخوردار باشد و بتواند پاسخ شایسته به مسائل کلیدی جامعه دهد و به اندازه کافی مورد بسط و ترویج قرار گیرد می‌تواند به نظریه غالب تبدیل شود و یک جریان حاشیه‌ای و پیرامونی به جریان اصلی و گفتمان مسلط تبدیل شود مانند گفتمان اسلام سیاسی در ابتدای انقلاب اسلامی در تقابل با گفتمان جدایی دین از سیاست در حوزه علمیه قم.

۲. منظور از هم‌گرایی در این‌جا هم‌سوسدن در اهداف و اصول و حتی برخی استراتژی‌هاست به نحوی که

بدیهی است واگرایی و فاصله‌گرفتن این دو مرکز علمی شیعی از یک‌دیگر هم با اهداف اسلامی مغایرت دارد و هم از نظر حکمت عملی و تدبیر برای تقویت جوامع غالباً اقلیت شیعه در اقصا نقاط جهان منافات دارد و هم فرصتی را در اختیار دشمنان شیعه می‌گذارد تا از آن برای تضعیف مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) سوء استفاده نمایند.

در عین حفظ هویت مستقل دو مجموعه این اهداف و مطالبات مشترک پاسخ یافته و بالاترین حد هم‌افزایی تحقق یابد، فرض هم‌گرایی به معنای پذیرفتن عدم امکان عملی یا نادرست بودن وحدت است. منظور از وحدت به معنای کنار گذاشتن هویت پیشین و تلفیق و ایجاد هویت جدید و یکی‌شدن در

اهداف، سیاست‌ها و سازمان است. این نوع از وحدت نه قابل تحقق است و نه درست؛ چرا که این دو حوزه شیعی در دو جامعه متفاوت با مسائل و تاریخ و مکاتب فقهی و فرهنگ مجزا از یک‌دیگر زیست نموده و رشد نموده‌اند و این شرایط زیست علمی و اجتماعی، امکان عملی وحدت به معنای فوق را نمی‌دهد، اما این نوع وحدت چندان صحیح هم نیست، چرا که ظرفیت‌های بزرگی در این تفاوت نگاه و منظر و روش فهم و پاسخ به مسائل وجود دارد که در تبدیل شدن به یک هویت واحد وجود ندارد. لذا با توجه به واقعیت‌های تاریخی و مناسبات مرجعیت شیعه تنها می‌توان از هم‌گرایی و در نهایت هم‌افزایی دو هویت مستقل سخن گفت که البته این هم خود مقول به تشکیک است و می‌تواند تا بالاترین

صرفاً علمی خارج شده و با مسائل و واقعیت‌های مدیریت جامعه مواجه شده است. جامعه یک‌دست و اکثریت شیعی در ایران و حمایت قوی و مستقیم حاکمیت از این حوزه و قرارگرفتن یک فقیه مجتهد و مرجع تقلید در رأس نظام اسلامی در ایران، وضعیتی نیرومند و متفاوت با حوزه علمیه نجف را ساخته است. حوزه علمیه قم ساختارمندتر و با گسترش کمی و کیفی بیشتر فعالیت می‌نماید، ده‌ها مرکز پژوهشی و آموزشی مستقیم و وابسته به مراجع تقلید در قم و دیگر شهرها فعالند و دست‌رسی این حوزه به

این حوزه تلاش دارد در عرصه تبلیغ در آموزش و پرورش مؤثر باشد و به صورت برنامه‌ریزی شده مبلغانی را به سراسر کشور اعزام می‌نماید. چندین دانشگاه و پژوهشگاه در منظومه مدیریت این حوزه در عرصه تحقیق، پژوهش و نظریه‌پردازی برای پاسخ به نیازهای نظام اسلامی و جامعه فعالیت می‌نمایند و از یک ساختار و پروکراسی گسترده برخوردار است. با توجه به رویکرد جدید بخش پیش‌تاز حوزه علمیه قم در عرصه مطالعات فقه اجتماعی، حکومتی و تمدنی، برخی اندیشمندان این حوزه برآند نادیا لوگ و گفت‌وگوی علمی با حوزه نجف ترتیب دهند و این حوزه را در طرح‌های تولید اندیشه برای نیل به زیرساخت‌های معرفتی تمدن نوین اسلامی مشارکت دهند.

حد ممکن از هم‌افزایی و تشریک مساعی، و هم‌رأیی و اتخاذ مواضع مشترک پیش رود. به ویژه آن‌گاه که در مقابل غیر گفتمانی مذهب شیعه و یا جهت تحقق مصالح امت اسلامی قرار گیرد.

بدیهی است واگرایی و فاصله‌گرفتن این دو مرکز علمی شیعی از یک‌دیگر هم با اهداف اسلامی مغایرت دارد و هم از نظر حکمت عملی و تدبیر برای تقویت جوامع غالباً اقلیت شیعه در اقصا نقاط جهان منافات دارد و هم فرصتی را در اختیار دشمنان شیعه می‌گذارد تا از آن برای تضعیف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام سوء استفاده نمایند.

۳. حوزه علمیه قم و نجف در طول تاریخ با هم تعامل جدی داشته‌اند، بسیاری از اساتید و مراجع تقلید حوزه علمیه قم سابقه تحصیل و تدریس در حوزه نجف هم داشته‌اند تا جایی که به راحتی می‌توان تداوم مکتب فقهی نجف را در قم جست‌وجو کرد و هم‌چنین می‌توان روش‌ها و رویکردهای حوزه قم را در میان برخی عالمان حوزه نجف نشان داد. بنابراین، این در این دو حوزه به صورت تاریخی، روابط پایدار وجود داشته است.

حوزه علمیه قم به واسطه رهبری و مشارکت گسترده در انقلاب اسلامی و سپس قرارگرفتن به عنوان پشتوانه تئوریک نظام و تأمین کادر نظام اسلامی زودتر از حوزه علمیه نجف از پيله و پوسته

امکانات زیرساختی بسیار بیشتر از حوزه نجف است. تفکر فقه اجتماعی، حکومتی و تمدنی در آن در حال رشد و بالندگی است. طرح‌های راهبردی مانند نقشه راه علمی حوزه و برنامه‌های متعدد نرم افزاری در حال طراحی و انجام است مدارس آن در سراسر کشور گسترش یافته است و سالانه به صورت منظم داوطلبان را پذیرش می‌کند. این حوزه تلاش دارد در عرصه تبلیغ در آموزش و پرورش مؤثر باشد و به صورت برنامه‌ریزی شده مبلغانی را به سراسر کشور اعزام می‌نماید. چندین دانشگاه و پژوهشگاه در منظومه مدیریت این حوزه در عرصه تحقیق، پژوهش و نظریه‌پردازی برای پاسخ به نیازهای نظام اسلامی و جامعه فعالیت می‌نمایند و از یک ساختار و بروکراسی گسترده برخوردار است. با توجه به رویکرد جدید بخش پیش‌تاز حوزه علمیه قم در عرصه مطالعات فقه اجتماعی، حکومتی و تمدنی، برخی اندیشمندان این حوزه بر آنند تا دیالوگ و گفت‌وگوی علمی با حوزه نجف ترتیب دهند و این حوزه را در طرح‌های تولید اندیشه برای نیل به زیر ساخت‌های معرفتی تمدن نوین اسلامی مشارکت دهند.

اما در سوی دیگر، حوزه علمیه نجف در متن جامعه عراقی جای دارد و متأثر از مسائل آن است. جامعه عراق گرچه اکثریت شیعی دارد، اما ساخت قدرت در آن متکثر

است. این جامعه از تعارضات چندگانه رنج می‌برد. علاوه بر گسل مذهبی بین شیعه و سنی با گسل قومی بین عرب و کرد نیز مواجه است و از نظر سیاسی حاکمیت در آن بین حمایت از ایران و جبهه مقاومت و یا پیوستن به ائتلاف عربی به خصوص هم‌رایی با عربستان و امارات سرگردان است و هنوز نتوانسته با ج.ا. ایران به تفاهم عمیق برسد. این جامعه هم‌چنین از اشغالگری امریکایی، حملات داعش و دست‌درازی‌های همسایه شمالی در عذاب است. در این کشور جامعه اقلیت سنی هنوز قدرتمند و دارای پیوندهای عمیق با جهان عرب بوده و دارای تجربه سال‌ها و بهتر بگوییم قرن‌ها حضور در رأس حکومت است.

از سوی دیگر، حوزه علمیه نجف چند دهه دیرتر از حوزه قم از زیر خفقان حکومتی خارج شد و به طور مستقیم نیز در سرنگونی حکومت بعثی نقش رهبری و هدایت جامعه را نداشته است. شاید انفعال حوزه علمیه نجف در برابر مسائل اجتماعی و امر سیاسی به اثرات عمیق خفقان شدید چندین دهه حکومت بعثی‌ها بر این حوزه باز گردد و این که بر اساس فرهنگ این حوزه تبلیغ و حضور روحانیون و اساتید حوزه در میان جامعه شهری و روستایی عراقی بسیار کم بوده و نهادینه نشده است.

و چه بسا، بتوان اندیشه و مکتب فقهی

سیاست‌ورزی را بر اساس نگرش دخالت حداقلی فقیه به نمایش گذاشت که تنها در حد ضرورت و هدایت کلان در امور دخالت می‌کند.

جمع‌بندی آن که موقعیت تاریخی، اجتماعی سیاسی و نگرش‌های فقهی در دو حوزه با یک‌دیگر تفاوت دارد، لذا باید این امور را به عنوان پیش‌فرض‌های لازم‌الرعايه در نظر گرفت. تبلیغ و تلاش برای ترویج مکتب ولایت فقیه با رویکرد امام خمینی (ره) خارج از قواعد گفت‌وگو و مباحثه علمی نمی‌تواند به هم‌گرایی بیشتر منجر شود به ویژه آن که طیف‌هایی در این حوزه مانند

طرفداران مرجعیت عربی مترصد بهانه برای تخریب روابط رو به رشد هستند.

● هم‌گرایی و هم‌افزایی به مثابه راهبرد کلان

با پذیرش راهبرد هم‌گرایی بین دو حوزه ثمرات بزرگ و نتایج درخشانی حاصل خواهد شد، که می‌تواند علاوه بر تعالی علمی روزافزون این دو نهاد، آینده جوامع شیعه را نیز بهبود و تعالی بخشد.

این هم‌گرایی در سه سطح: الف) کلان، یعنی مرجعیت؛ ب) سطح میانی به معنای هم‌گرایی مدیریت حوزه‌های علمیه قم

ناآگاهان درونی متأثر از وسوسه‌های ملی، قومی و قبیله‌گی و منافع شخصی و مانند آن و دشمنان بیرونی در قالب عوامل مداخله‌گر و جریان‌های رقیب در مقابل این هم‌گرایی صف‌آرایی‌کنند و تلاش نمایند زمینه‌واگرایی و گسست را ایجاد و به بدفهمی‌ها و سوءظن‌های دو سویه دامن بزنند و این دو بال پرواز مکتب تشیع را ضعیف و ناکارآمد سازند. از همین رو، لازم است شخصیت‌های عالی این دو حوزه نسبت به موضع‌گیری‌های تفرقه‌افکنانه از قبیل دوگانه سازی‌های مرجعیت ایرانی و عربی حساسیت به خرج داده با آن مخالفت نمایند.

آیت‌الله العظمی خوئی، که مکتب غالب فقهی حوزه نجف است و در آن دخالت فقها در امور اداره جامعه را به صورت حداقلی تصویر می‌کند را نیز در کاهش نقش سیاسی و اجتماعی فقهای حوزه نجف مؤثر دانست.

از این رو نمی‌توان انتظار داشت حوزه علمیه نجف همچون حوزه علمیه قم در امر سیاسی اجتماعی و حکومتی دخالت نماید. علی‌رغم این واقعیت مرجعیت اعلا و حوزه علمیه نجف در چند سال گذشته و به ویژه پس از ظهور داعش

بیش از گذشته به عرصه اجتماعی و سیاسی وارد شده و با حمایت از گروه‌های مقاومت عراقی تحول بزرگی را رقم زده است.

مرجعیت اعلا شیعه در نجف و شخص آیت‌الله العظمی سیستانی - حفظه‌الله - با انتخاب رویکرد وحدت‌آفرین در کاهش تعارضات بین شیعه، سنی و... کرد؛ حفظ وحدت و انسجام ملی و پایداری حکومت؛ تلاش برای حفظ امنیت جامعه از یک سو، و عدم دخالت در مناسبات قدرت و جزئیات حکومت و رفتار احزاب سیاسی، مدلی از

و نجف؛ ج) سطح عملیاتی، یعنی ترابط علمی بین اساتید و فرهیختگان دو حوزه قابل تحقق است. البته هم اینک نیز تا حدودی این هم‌گرایی وجود دارد، اما همان‌طور که اشاره شد، قابل ارتقا و افزایش است.

لازمه حرکت به سمت مراتب بالای هم‌گرایی آن است که اولاً، هر دو حوزه به هویت و مرزهای سازمانی هم احترام گزارند و تفاوت در روش، مکتب علمی و فرهنگ حوزوی و منش سیاسی دیگری را به رسمیت بشناسند. ثانیاً، از ظرفیت‌های موجود برای گفت‌وگو و همکاری بین سه سطح پیش گفته استفاده و اقدام عملی گام به گام بر اساس نقشه راه مشخص ترتیب دهند.

بدیهی است، ناآگاهان درونی متأثر از وسوسه‌های ملی، قومی و قبیله‌گی و منافع شخصی و مانند آن و دشمنان بیرونی در قالب عوامل مداخله‌گر و جریان‌های رقیب در مقابل این هم‌گرایی صف آرایی کنند و تلاش نمایند زمینه واگرایی و گسست را ایجاد و به بدفهمی‌ها و سوءظن‌های دو سویه دامن بزنند و این دو بال پرواز مکتب تشیع را ضعیف و ناکارآمد سازند. از همین رو، لازم است شخصیت‌های عالی این دو حوزه نسبت به موضع‌گیری‌های تفرقه‌افکنانه از قبیل دوگانه‌سازی‌های مرجعیت ایرانی و عربی حساسیت به خرج داده با آن مخالفت نمایند.

● اثرات هم‌گرایی در عرصه بین‌الملل

هم‌گرایی حوزه علمیه قم و نجف می‌تواند به هم‌افزایی در تقویت جایگاه تشیع در ایران و عراق و دیگر کشورهای شیعیان زیست می‌کنند بینجامد. با افزایش تعاملات علمی به تقویت بنیان‌های علمی فقه شیعی یاری رسانند و با اتخاذ استراتژی تقریب با جریان‌های متعادل اهل سنت در جهان اسلام، از میزان اثرگذاری تفکر وهابیت و تکفیر بر جوامع سنی کاسته، تصویر مطلوبی از تشیع به نمایش بگذارند. هم‌چنین مواضع یک‌دست و قدرتمندتری در خصوص دفاع از اقلیت‌های شیعه در برابر دولت‌های متخاصم بردارند. بر این اساس می‌توان راهبردهایی برای هم‌گرایی بیشتر و کاهش واگرایی بین این دو مرکز بزرگ شیعی پیشنهاد نمود.

● بررسی تفصیلی

بررسی دقیق‌تر ساحات اندیشه فقهی حوزه قم و نجف محقق را به آن‌جا می‌رساند که ریشه یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها که در صورت عدم شناخت درست می‌تواند زمینه ساز برخی اختلافات شود، تفاوت در مبانی علمی و فقهی است. این تفاوت بیشتر درباره گستره اختیارات ولایت فقیه است.

نظریه ولایت فقیه با گستره اختیارات مورد نظر امام خمینی علیه السلام، از منظر برخی از مراجع تقلید و روحانیون عراقی قابل تحقق نیست. برخی به صورت مبنايي نسبت به اختیارات

عراق با روحانیت و جریان غالب حوزه علمیه ایران می‌گردد مواردی مانند: نگرش درباره ایران و تفاوت منافع ایران و عراق و شعار مرجعیت عربی در برابر مرجعیت ایرانی، مدارا با غرب، معیارهای دموکراتیک و خط مشی اسلامی کردن جامعه و

هم‌چنین دانش فلسفه و عرفان در حوزه علمیه نجف مورد بی‌مهری بوده است، در سه دهه گذشته در حوزه علمیه قم، این نگاه تعدیل شده است و تلاش‌هایی از سوی برخی حوزویان برای آموزش این دروس صورت می‌گیرد و در چند دهه گذشته مراکز تخصصی در خصوص آموزش و پژوهش در این علوم راه اندازی شده است و لکن در حوزه نجف این بی‌مهری هم‌چنان ادامه دارد. علوم انسانی نیز پس از انقلاب در ایران به حوزه‌های علمیه راه یافته است و مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، دانشگاه مفید و دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام به آموزش و تحقیق در آن می‌پردازند.

پرداختن به علوم انسانی و روش‌های نوین آموزشی در حوزه نجف به حرکت اصلاحی

ولی فقیه، گستره و حدود وظایف ولی فقیه نگرشی حداقلی دارند و حضور فقها در ساحت سیاست و مناصب اجرایی در حکومت را بر نمی‌تابند برخی نیز از نظر امکان تحقق و اجرای نظریه ولایت فقیه در عراق تردید جدی دارند به عبارت دیگر، همه فقها درباره نقش رهبری سیاسی - حکومتی مجتهدان اتفاق نظر ندارند. جریان غالب در حوزه نجف وظیفه

علما را تنها هدایت معنوی، مشاوره و نهایتاً نظارت بر حکومت می‌داند. در این میان بسیاری از جریان‌های سیاسی مذهبی شیعیان عراق و دیگر جریان‌های سیاسی مذهبی و قومی نیز حضور ساختاری مرجعیت و روحانیت شیعی را در عرصه سیاسی قبول ندارد. البته جریان رو به گسترشی نیز از روحانیون عراقی که غالباً دانش آموخته حوزه علمیه قم (جامعه المصطفی العالمیه) هستند و یا متأثر از اندیشه‌های فقهی و سیاسی امام خمینی علیه السلام نظریه ولایت فقیه را مبنای فقهی حضرت امام علیه السلام پذیرفته و تبلیغ می‌کنند. مباحث دیگری نیز وجود دارد که منشأ برخی از اختلاف نظرهای روحانیت شیعه و گروه‌های هم سو در

شواهدی در دست است که امریکایی‌ها برای نفوذ بین شیعیان و روحانیت حوزه نجف و ایجاد بدیل برای این حوزه طرح و برنامه جدی دارند، یکی از برنامه‌ها آن است که گروهی از جوانان شیعه را در قالب آموزش‌های علوم انسانی و رشته‌هایی مانند فقه، حقوق و فلسفه تربیت نموده و به جریانی سکولار تبدیل نمایند تا نقشی که حوزه نجف در خصوص تصدی امور سیاسی و حکومتی علاقه‌ای به آن ندارد را به عهده بگیرند و در نهایت، یک نوع جریان روشن‌فکری فلسفی و کلامی را در برابر حوزه نجف ایجاد نمایند. این خطر وقتی بیشتر می‌شود که به دلیل مشکلات معیشتی و ضرورت دستیابی به مدارک تحصیلی مورد تأیید دولت طلاب برای تصدی مشاغل در حکومت مجبور به روآوردن به دانشگاه‌ها می‌نمایند.

مدارک تحصیلی مورد تأیید دولت طلاب برای تصدی مشاغل در حکومت مجبور به رو آوردن به دانشگاه‌ها می‌نمایند.

اما تلاش‌های گسترده‌ای نیز از سوی مرجعیت شیعه و به خصوص نمایندگان آیت‌الله العظمی سیستانی در خصوص تأسیس مؤسسات و مرکز تحقیقی و تبلیغی در داخل و خارج عراق وجود دارد. در یک دهه گذشته این حوزه هر روز به سوی نشاط علمی و گسترش فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی پیش می‌رود.

● ۳. چگونگی همکاری میان قم و نجف

حوزه علمیه قم بنا بر شرایط پس از انقلاب و تحولاتی که در آن رخ داده است دارای انسجام ساختاری و سازماندهی بهتری است، لذا سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در آن با سهولت بیشتری انجام می‌شود. در واقع می‌توان شورای عالی حوزه را متکفل سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان در این حوزه شمرد. در طرف دیگر، در حوزه نجف نیز می‌توان چهار مرجع اصلی که تشکیل دهند هسته مرکزی جریان مرجعیت و نقطه ثقل حوزه نجف شمرد، از آن‌جا که هنوز سازمان و تشکیلات این حوزه بر مدار بیوت می‌چرخد موفقیت هر طرحی دایر مدار موافقت نیروهای مؤثر در بیوت مراجع، چرا که کسانی که واقعاً دست اندرکار مدیریت روزانه حوزه هستند این افراد می‌باشند. از این رو، نگرش این شخصیت‌های رده دوم و نگرش

مرحوم مظفر در تأسیس دانشکده فقه و فعالیت‌های علمی شهید صدر و نظریات اقتصادی وی باز می‌گردد، گرچه نمی‌توان این دو حرکت را جریان اصلی حوزه نجف دانست.

در دوره معاصر بسیاری از طلاب حوزه نجف با شرکت در دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه کوفه دروس علوم انسانی را فرا می‌گیرند. مراکز آموزشی غربی به ویژه وابسته با انگلستان و امریکا به شدت در عراق فعال هستند. ده‌ها مؤسسه آموزشی و صدها NGO با حمایت سفارت این کشورها در نجف، بصره و بغداد فعال بوده در حال جذب جوانان و نیروهای مستعد و تلاش برای نفوذ در حوزه نجف هستند. شواهدی در دست است که امریکایی‌ها برای نفوذ بین شیعیان و روحانیت حوزه نجف و ایجاد بدیل برای این حوزه طرح و برنامه جدی دارند، یکی از برنامه‌ها آن است که گروهی از جوانان شیعه را در قالب آموزش‌های علوم انسانی و رشته‌هایی مانند فقه، حقوق و فلسفه تربیت نموده و به جریانی سکولار تبدیل نمایند تا نقشی که حوزه نجف در خصوص تصدی امور سیاسی و حکومتی علاقه‌ای به آن ندارد را به عهده بگیرند و در نهایت، یک نوع جریان روشن‌فکری فلسفی و کلامی را در برابر حوزه نجف ایجاد نمایند. این خطر وقتی بیشتر می‌شود که به دلیل مشکلات معیشتی و ضرورت دستیابی به

است، ظرفیت‌هایی برای ورود مرجعیت شیعه در مناسبات سیاسی جوامع پیش آمده و امکان تأثیرگذاری مثبت به نفع اقلیت‌های شیعه در جهان را پدید آورده است که پیش از این در اختیار نبوده است. ضرورت حمایت یکپارچه مرجعیت شیعه و تذکر به دولت‌های مستقر برای استیفای حقوق شیعیان و ممانعت از فشار و ظلم بر پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه در کشورهایی مانند هند، پاکستان، افغانستان، بحرین و حجاز نیاز به

موضع قوی و اقتدار فزاینده دارد. بی‌شک حمایت مرجعیت شیعه به عنوان نهاد غیر دولتی و فراتر از دولت‌های ایران و عراق می‌تواند در جای خود بسیار مؤثر باشد، چرا که اولاً، دخالت دولت‌ها در امور یک‌دیگر شمرده نمی‌شود؛ ثانیاً، به تقویت جایگاه و ارتباط مقلدان منجر خواهد شد؛ ثالثاً، به بهبود موقعیت آن‌ها کمک خواهد کرد. بی‌شک بیانیه جمع هم‌آهنگ و یکپارچه مراجع ارشد قم و نجف می‌تواند تأثیرگذاری و عمق بیشتری از بیانیه و فتوای یک یا دو مرجع بدون هماهنگی داشته باشد. دوم: شورای عالی مرجعیت شیعی می‌تواند

بی‌شک حمایت مرجعیت شیعه به عنوان نهاد غیر دولتی و فراتر از دولت‌های ایران و عراق می‌تواند در جای خود بسیار مؤثر باشد، چرا که اولاً، دخالت دولت‌ها در امور یک‌دیگر شمرده نمی‌شود؛ ثانیاً، به تقویت جایگاه و ارتباط مرجعیت با مقلدان منجر خواهد شد؛ ثالثاً، به بهبود موقعیت آن‌ها کمک خواهد کرد. بی‌شک بیانیه جمع هم‌آهنگ و یکپارچه مراجع ارشد قم و نجف می‌تواند تأثیرگذاری و عمق بیشتری از بیانیه و فتوای یک یا دو مرجع بدون هماهنگی داشته باشد.

مراجع عظام در حوزه علمیه نجف و قم در یک نهاد مشترک و سازوکاری مشخص گردهم آیند و در خصوص مهم‌ترین مسائل جهان اسلام و تشیع چاره‌اندیشی نمایند.

پیشنهاد راهبردی: تشکیل شورای عالی مرجعیت شیعه

یکم: برای کسانی که با مناسبات مرجعیت در ایران و عراق آشنایی دارند تشکیل شورای مرجعیت شیعه امری بعید و چه بسا نزدیک به محال قلمداد شود، لذا این قلم از آن تعبیر به چشم‌انداز آرمانی نموده است. لکن باید به این مهم توجه داشت با تغییرات شگرفی که در چند دهه گذشته در عرصه بین‌الملل ایجاد شده

آن‌ها نسبت به همکاری و هم‌گرایی با حوزه علمیه قم اهمیت داشته و می‌توان ادعا کرد در برخی موارد تعیین‌کننده است.

● چشم‌انداز مطلوب

اگر بخواهیم یک چشم‌انداز مطلوب و شاید تا حدودی آرمانی را برای آینده هم‌گرایی حوزه علمیه قم و نجف ترسیم نماییم می‌توان آن را در سه سطح چنین اشاره نمود:

الف) هم‌گرایی سطح مرجعیت
بالاترین سطح هم‌گرایی در نهاد مرجعیت آن است که

دهه گذشته علاقه به شناخت تشیع بسیار بیشتر شده است. معرفی قرائت عقلانی، عدالت‌خواه و معنویت‌گرای شیعی از اسلام در برابر قرائت تکفیری و متحجر در اهل سنت، موجب روی‌آوری جهانیان به گفت‌وگو با شیعه شده است و حتی می‌توان مدعی شد در صورت تقویت این روند می‌توان شاهد تغییر نماینده اسلام از اهل سنت به مکتب تشیع و اسلام ناب محمدی ﷺ بود. اما رسیدن به این موقعیت، نیازمند نشان‌دادن یک تصویر یک دست، پالایش برخی کج‌فهمی‌ها و اتخاذ مواضع حکیمانه است که خط اصیل و جریان اصلی تشیع را به همگان نشان دهد.

چهارم: مرجعیت در ایران و عراق هر روز بیش از قبل درگیر امر اجتماعی می‌شود و میزبان شخصیت‌های مذهبی از ادیان و فرق مختلف تا شخصیت‌های سیاسی داخلی، خارجی و گروه‌های اجتماعی است. روند مرجعیت نیز نشان می‌دهد مراجع آینده بسیار بیشتر از امکانات و فرصت‌های جدید چه در حوزه مناسبات سیاسی و اجتماعی و چه در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بهره خواهند برد. و با توجه به روند افزایش اقتدار مرجعیت شیعه ضرورت مشورت و تصمیم‌گیری جمعی، حرکت به سمت ایجاد چنین نهادی را افزایش می‌دهد.

ب) هم‌گرایی سطح مدیریت
پیشنهاد راهبردی: تشکیل شورای

یکی دیگر از سطوح هم‌گرایی نهادی، همکاری‌ها و هم‌افزایی‌ها در سطح در دو مرکز علمی آموزشی است که می‌تواند در خصوص برگزاری همایش‌های علمی مشترک، برگزاری دروس و شرکت طلاب در دروس آنلاین خارج و سطح پذیرش نمرات و شهادت علمی فارغ‌التحصیلان از سوی دو حوزه، دعوت از اساتید یک‌دیگر جهت تدریس و فرصت مطالعاتی، تهیه متون درسی استاندارد و ده‌ها مورد دیگر انجام گردد.

علاوه بر ورود به مباحثی این‌چنینی نسبت به برخی سوءفهم‌های عمیق و بحران‌زا از معارف اسلام مانند تکفیرگرایی نیز موضع‌گیری نماید. و زمینه‌های وحدت امت اسلام را ایجاد نماید.

سوم: نگاه جهان و ادیان دیگر به نماینده مکتب اسلام از اهل سنت به شیعه در حال تغییر است. شاید تا پیش از انقلاب اسلامی تنها مستشرقان و معدودی از محققان شیعه اثنی‌عشری را می‌شناختند و اندیشه علمای اهل سنت به عنوان نماد و نماینده اسلام در جهان مطرح و مورد پذیرش ادیان دیگر قرار گرفته بود. ولی امروزه به مدد خیزش بزرگ پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در منطقه خاور میانه و مبارزه و مقاومت آنان در چند

همکاری‌ها برخواهند آمد لازم است، مواضع این افراد یا جریان‌ها از جریان اصلی حوزه قم و نجف جدا دانسته شود و برای خنثاسازی تلاش‌های تفرقه‌افکنانه تمهیداتی در نظر گرفته شود؛

۳. نباید این موضوع به یک موضوع مقطعی و تبلیغاتی تبدیل شود، بلکه باید به آن به عنوان ضرورت آینده مرجعیت شیعه نگریست؛

۴. بهتر است گام‌های اول از همکاری بین انجمن‌های علمی و تبادل استاد و دعوت از محققان برای فرصت مطالعاتی آغاز شود؛

۵. باید پذیرفت هر نوع پیشرفت، اصلاح و بهبود در حوزه قم و نجف تنها به دست عالمان آن حوزه امکان تحقق دارد و نیازی به استفاده از عناوین حساسیت برانگیز مانند انتقال تجارب حوزه قم وجود ندارد و باید از هر نوع فعالیت‌هایی که شائبه دخالت در حوزه دیگر از آن استشمام می‌شود پرهیز نمود؛

۶. لازم است با تفکر ملی‌گرایانه در خصوص مرجعیت شیعی مقابله نمود و از ورود در جدل انحرافی در خصوص مرجعیت عربی و ایرانی پرهیز نمود؛

۷. لازم است ملاحظه حساسیت‌های دفاتر بیوت حوزه قم و نجف بشود و رویکرد همکاری‌ها در حوزه دانشی و سیاست‌های مؤثر بر جوامع شیعه فراتر نرود؛

۸. گمان می‌رود ترویج مرجعیت مراجع قم در نجف موجب اختلافات به‌ویژه از سوی

هم‌گرایی مراکز مدیریت حوزه علمیه نجف اشرف و قم مقدسه.

حوزتین قم و نجف دارای نظام آموزشی، متون، برنامه درسی و ارزیابی و امتحانات و صدور گواهی و شهادت علمی مجزا هستند. یکی دیگر از سطوح هم‌گرایی نهادی، همکاری‌ها و هم‌افزایی‌ها در سطح در دو مرکز علمی آموزشی است که می‌تواند در خصوص برگزاری همایش‌های علمی مشترک، برگزاری دروس و شرکت طلاب در دروس آنلاین خارج و سطح، پذیرش نمرات و شهادت علمی فارغ‌التحصیلان از سوی دو حوزه، دعوت از اساتید یک‌دیگر جهت تدریس و فرصت مطالعاتی، تهیه متون درسی استاندارد و ده‌ها مورد دیگر انجام گردد.

ج) هم‌گرایی سطح اساتید

پیشنهاد راهبردی: تشکیل دبیرخانه همکاری جامعه مدرسین و محققان حوزه علمیه نجف و قم.

اساتید و اعضای هیئت علمی در هر نهاد آموزشی مهم‌ترین رکن علمی آن نهاد محسوب می‌شوند. بدیهی است هر نوع همکاری علمی و پژوهشی و تبادل استاد و دانشجو می‌تواند به تقویت و هم‌افزایی این دو نهاد یاری رساند.

● چند نکته پایانی:

۱. مناسب است ضرورت این همکاری‌ها برای هر دو طرف روشن شود و در این خصوص فرهنگ‌سازی مطلوب صورت گیرد؛

۲. گروه‌هایی در صدد ممانعت از این

برخی اطراف بیوت شود، پس لازم است از آن پرهیز شود؛

۹. نقش فرزندان ارشد و عالم مراجع عظام تقلید به ویژه در حوزه نجف باید به خوبی مورد ملاحظه قرار گیرد و از این ظرفیت برای هدف راهبردی هم‌گرایی استفاده شایان بشود؛

۱۰. مجامع و انجمن‌های علمی مشترک می‌تواند مهم‌ترین پایه خوبی برای هم‌گرایی علمی تلقی شود؛

۱۱. پروژه‌های مشترک علمی و فرهنگی توسط پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی با مؤسسات علمی حوزه نجف در دستور کار قرار گیرد؛

۱۲. مدارک آموزشی طلاب در هر حوزه مورد تأیید حوزه دیگر قرار گیرد؛

۱۳. نشریات تخصصی با مقالات مشترک از سوی عالمان دو حوزه انتشار یابد؛

۱۴. امکان ایجاد صندوق مشترک مراجع برای حمایت از اساتید و پژوهشگران برتر دو حوزه مورد مطالعه قرار گیرد.

پی‌نوشت:

* نویسنده و پژوهشگر

